

مبانی فقهی

مهندسی ژنتیک و محصولات تراریخته

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۱۵ ابوالقاسم علیدوست *

سید مرتضی حسینی کمال آبادی **

چکیده

مسئله مورد پژوهش عبارت است از مبنای پژوهی فقهی و حکم‌شناسی تغییراتی که در مخلوقات براساس مهندسی و اصلاح ژن صورت می‌گیرد. براساس آیات قرآن، خداوند، عالم را مسخر انسان قرار داده است. لازمه این تسخیر، جواز تصرف انسان در عالم و تغییر آن به منظور بهره‌بری است؛ ولی در آیه ۱۱۹ سوره نساء، تغییر خلقت از پروژه‌های شیطان برای گمراهی بشر معرفی شده است. پژوهش حاضر در دو مقام بحث می‌کند: یکم آنکه مرز جواز تصرف در عالم براساس جواز تسخیر و منع تغییر خلق الله چیست؟ دوم آنکه تغییرات مهندسی ژنتیک از کدام است؟ در قسمت یکم و در ارتباط با آیه مورد نظر، درمجموع چهار دیدگاه با عناوین ذیل وجود دارد: ۱. دلالت آیه بر حرمت مطلق تغییر خلقت؛ ۲. دلالت آیه بر حرمت تغییر دین خدا؛ ۳. دلالت آیه بر نکوهش تغییر درون انسان؛ ۴. دلالت آیه بر حرمت تغییر ناهمسو با هدف خلقت پدیده‌ها. دیدگاه چهارم، اندیشه

*. استاد دروس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و عضو انجمن فقه و حقوق اسلامی حوزه علمیه (salsabeal@gmx.com).

**. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، ریاست پژوهشکده ادیب فقه جواهری، (s.morteza.hk@gmail.com).

صحیحی است که مفهوم آفرینش الهی و رقم زدن جعلی برخلاف آن را تبیین و مرز میان تسخیر و تغییر را روشن می‌سازد و درعین حال، از لوازم ناصحیح اندیشه‌های دیگر خالی است. در مقام دوم نیز دو دیدگاه وجود دارد. برخی مهندسی ژنتیک را تغییر مضموم و بعضی تسخیر ممدوح می‌دانند. بنا بر نظر مختار، مهندسی ژنتیک، ابزاری مشترک است که برای هدایت آن به راه تسخیر، به وضع قانون نیازمندیم.

واژگان کلیدی: تغییر خلقت، تغییر دین، خلق الله، جعل تکوینی الهی، حرمت تغییر، مهندسی ژنتیک، محصولات تراریخته.

مقدمه

مهندسی ژنتیک و محصولات اصلاح شده تراریخته، علاوه بر آنکه مسئله‌ای مهم در دانش فناوری زیستی به شمار می‌رود، خود پرونده‌ای نو در دانش فقه است. سخن در اطراف این موضوع، فراوان است؛ برخی آن را پیشرفت دانش قلمداد می‌کنند و برخی پس رفت. مسئله‌ای که اظهار نظر در اطراف این موضوع را دشوار کرده است، لایه‌های غیر علمی آن است، هنگامی که انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی، به یک مسئله علمی وارد می‌شود، کشف واقعیت، مسیر پیچیده تری را به خود می‌گیرد. برخی تراریخته را ابزار راهبردی در دست صهیونیست‌ها برای کنترل جهان می‌دانند، و از اقدام هماهنگ عناصر نفوذی داخلی و صهیونیسم جهانی، برای عقیم کردن نسل ایرانی و کوبیدن مخالفان با لقب فناوری هراس خبر می‌دهند. برخی، مهندسی ژنتیک را اوج دانش بشری در عصر کنونی معرفی کرده‌اند و مخالفت‌ها را غیرعلمی و با هدف جلوگیری از وارد شدن این فناوری به کشور می‌دانند. آنچه در این مقاله، به‌ویژه بخش دوم آن مورد توجه قرار می‌گیرد، بررسی فعل مهندسی ژنتیک فارغ از پیامدها و آثار آن است که مستلزم ورود در مباحث علمی و کارشناسی است.

مسئله پژوهشی حاضر، عبارت است از حکم‌شناسی مهندسی ژنتیک و محصولات تراریخته از منظر دانش فقه امامیه. ولی از آنجا که این موضوع با عنوان خاصی به خود، در اسناد شرعی وجود ندارد، باید کشف آن را در اسناد عام شرعی، که ناظر به گستره جواز و عدم جواز تغییر خلقت است، پیگیری کرد، از این‌رو مسئله پژوهش حاضر، به‌صورت دقیق‌تر عبارت است از اینکه تغییراتی که در مخلوقات براساس مهندسی و اصلاح ژن صورت می‌گیرد، براساس اسناد عام شرعی در فقه امامیه چه حکمی دارد؟

خداوند در قرآن کریم در آیات متعددی، از تسخیر آسمان و زمین برای انسان سخن

گفته است (ر.ک: جائیه: ۱۳؛ لقمان: ۲۰). بر این اساس تصرف انسان در تکوین، نعمتی است که هستی آفرین، در دست قدرت بشر قرار داده است، و او می‌تواند با عقل خود و با مدد جوارح و ابزاری که در دست دارد، در هستی بی‌کران این عالم، سیر و در مسخر خود تصرف کند. ولی در آیه‌ای دیگر (نساء: ۱۱۹)، تغییر در خلقت را امر شیطان معرفی می‌کند. در این بزنگاه است که لایه‌ای دیگر از مسئله مورد سخن، برداشته می‌شود و خود را این چنین می‌نمایاند که: مرز این تغییر ممدوح (تسخیر) و آن تغییر مذموم (تغییر خلق الله) چیست؟ آیا می‌توان به لحاظ فقهی به معیاری رسید و بین این دو جدایی افکند؟ تغییراتی که در مخلوقات براساس مهندسی و اصلاح ژن صورت می‌گیرد، از تسخیر ممدوح است یا تغییر مذموم؟

براین اساس از گستره حرمت تغییر خلق الله سخن به میان می‌آوریم تا به عنوان قانون کلی و کبری استدلال، نقش آفرینی کند (مبنای فقهی)، سپس از مهندسی ژنتیک و محصولات تراریخته به عنوان مصداق و صغرای قیاس سخن به میان می‌آوریم. از این جهت مقاله حاضر دو بخش را در ساختار خود جای داده است.

در مورد پیشینه بحث تغییر خلق الله، گفتنی است که سخن از آن به صدر اسلام بازمی‌گردد. بیشتر اظهارنظرهای اولیه در این باب، به بیان مصادیق آن متمرکز بوده؛ ولی رفته رفته فکرها رو به سوی برداشت قاعده کلی از آن گذاشته است و در این میان، دیدگاه‌های گوناگونی اظهار شده که بیشتر فقیهان،^۱ همسو با برخی روایات (بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ص ۱۷۴)، آیه مزبور را در مورد تغییر دین خدا دانسته و آن را از بیان ممنوعیت تغییر در خلقت، اجنبی تلقی کرده‌اند و برآنند که لازمه اعتقاد به حرمت تغییر خلقت، تخصیص اکثری مستهجن است. در این میان، تلاش‌های دیگری صورت گرفته است

۱. در ادامه به این دیدگاه و مستند آن، خواهیم پرداخت.

که در بیان اندیشه‌ها با آن آشنا خواهیم شد. برخی استفاده‌ها و اظهارنظرهای غیرفنی درباره آیه مورد سخن را نیز نباید نادیده گرفت.

پژوهش حاضر، اندیشه‌های پراکنده در قرون گذشته و ادله آن را جمع‌آوری، تقسیم‌بندی کرده و با تحلیل و نقد از آیه، قانون عامی استنباط کرده است.

۱. مبناشناسی فقهی مهندسی ژنتیک

۱.۱. بررسی اجمالی آیه تغییر خلق

در آیه ۱۱۹ سوره مبارکه نساء، پس از لعن شیطان، چنین آمده است: «وَقَالَ لَا تَخْذَنْ مِنْ عِبَادِكِ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا، لَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَ لَأَمُرَّنَّهُمْ فَلَيَكُنَّ أَذَانَ الْأَنْعَامِ وَ لَأَمُرَّنَّهُمْ فَلْيَغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا؛ و گفت: بی گمان از میان بندگانت، نصیبی معین [برای خود] برخوهم گرفت، آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهم کرد و امرشان می‌کنم تا گوش‌های دام‌ها را شکاف دهند و فرمانشان می‌دهم تا آفریده خدا را دگرگون سازند؛ [ولی] هر کس به جای خدا، شیطان را دوست گیرد، قطعاً دستخوش زیان آشکاری شده است».

برخی برآنند که همه لام‌هایی که در آیه بر سر افعال «لَا تَخْذَنْ»، «لَأُضِلَّنَّهُمْ»، «لَأُمَنِّيَنَّهُمْ» و «لَأَمُرَّنَّهُمْ» وارد شده، ویژه قسم است که محذوف می‌باشد (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۵، ص ۳۸۹) و نون تأکید را لازم می‌دانند و قسم جز به آینده خورده نمی‌شود (نحاس، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۲۳۹؛ درویش، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۳۲۵). به رغم اینکه ادیبان در قسم بودن لام و تقدیر قسم، اختلافی ندارند، بیشتر مترجمان قرآن کریم به زبان فارسی، لام‌ها را لام تأکید دانسته و بی‌توجه به قسم‌های مقدر، آن را به الفاظی مانند هر آینه، مسلماً، بی‌گمان، سخت و البته، معنا کرده‌اند^۱ و در این میان، یکی از مترجمان بر قسم و تأکید نون ثقیله توجه شدید کرده،

۱. چه بسا بتوان وجه آن را در نبودن قالبی روان در زبان فارسی برای انعکاس قسم و تأکید ثقیله دانست که پرداخت

آیه را این گونه معنا کرده است:^۱ «خدا شیطان را لعنت کرده است و شیطان گفته که با قید قسم و دو تأکید، از بندگان تو بهره‌ای معلوم می‌گیرم و با قید قسم و دو تأکید، آنان را گمراه می‌سازم و با قید قسم و دو تأکید، آنان را در آرزوی باطل می‌افکنم و با قید قسم و دو تأکید، به آنان فرمان می‌دهم؛ پس البته گوش‌های چهارپایان را می‌برند و با قید قسم و دو تأکید، به آنان فرمان می‌دهم؛ پس با قید قسم و دو تأکید، آفرینش خدا را تغییر می‌دهند و هر کس [خدا را دوست نگیرد و] شیطان را دوست بگیرد [از غیر خدا]؛ پس علی‌التحقیق زیان کرده است؛ زبانی آشکار» (بلاغی، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۷۷).

برخی بر آنند که مقصود از «فَلْيَبْتَئَنَّ»، شکافتن گوش حیوانات است و از لحاظ دانش لغت، «بتک» به معنای قطع است و این ماده هنگامی که به ثلاثی مزید از باب تفعیل می‌رود، به معنای تشقیق و شکافتن است (مجلسی، ۱۴۰۶: ج ۵، ص ۲۱۳). از نظر برخی دیگر، مقصود از آن، کندن گوش حیوان از ریشه است و میان ثلاثی مجرد و مزید این ماده تفاوتی نیست و هر دو به معنای قطع می‌باشد (طوسی، بی‌تا: ج ۳، ص ۳۳۴). متون لغوی، گویای آن است که قول دوم، صحیح است (ر.ک: ازهری، بی‌تا: ج ۱۰، ص ۵۳؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۱۲۳۵). در آیه، مأمور به - به قرینه مابعد - حذف شده، تقدیر آیه این گونه است: «لأمرنهم بالتبکیت فیتکن، و لأمرنهم بالتغییر فلیغیرن». ابوحیان «تبکیت» را مصداقی از تغیر خلق الله می‌داند. براین اساس، ذکر تبکیت پیش از تغیر خلق الله، از مصادیق ذکر خاص پیش از عام است. وی ترتیب جمله‌های قسم در آیه شریفه را در غایت فصاحت می‌داند و آن را در پنج مرحله تحلیل بلاغی می‌کند. از منظر وی، در آیه‌های ۱۱۸ و ۱۱۹ پروژه شیطان در یک

بدان از رسالت این نوشتار خارج است. البته در میان قرائات، قرائت ابی نیز هست که بدون لام است؛ در آن صورت است که دیگر قسم مقدر نخواهد بود (اندلسی، ۱۴۲۰: ج ۴، ص ۷۲).

۱. مترجم در قالب پرازنز، توضیح‌هایی ارائه کرده؛ ولی از آنجاکه برای ما اصل ترجمه مهم بوده است، از نقل توضیح‌ها پرهیز کرده‌ایم.

فرایند قدم به قدم تصویر شده است. ابوحیان این دو آیه را دارای پنج مرحله می‌داند و بر آن است که مرحله اول، با قسمت معین خواستن شیطان از بندگان شروع می‌شود. از مرحله دوم، پروژه سهم‌خواهی شیطان از بندگان کلید می‌خورد؛ بدین معنا که آنان را به واسطه کفرآمیز کردن اعتقاداتشان، گمراه می‌کند. در مرحله سوم، آنان را به آرزوها و حرص‌های مهلک می‌افکند. در مرحله چهارم، آنان را به قطع کردن گوش حیوانات فرمان می‌دهد، در حالی که خداوند به این کار اذن نداده است. وی این مرحله را مقدمه‌ای برای مرحله پنجم می‌داند؛ زیرا رویه شیطان بر گمراه کردن تدریجی انسان است. از این‌رو، نخست به تغییر خاصی از خلق الله - یعنی قطع گوش حیوانات - آنان را می‌فریبد و می‌آزماید و هنگامی که مردم او را پیروی کردند، در مرحله بعد، به آنان امری عام مبنی بر تغییر همه خلق الله صادر می‌کند (اندلسی، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ص ۷۳). این تحلیل فرایندی، ما را در تحلیل محل نزاع - فلیغیرن خلق الله - یاری می‌رساند؛ چنان که خواهد آمد.

۱.۲. اندیشه‌ها و دلیل‌ها

با بررسی کتاب‌های ادبی، تفسیری و فقهی - به ویژه آیات الأحکام - اندیشه‌ها در مورد تغییر خلق الله در آیه مذکور را می‌توان در چهار قسم به شرح ذیل بیان کرد.

۱.۲.۱ دیدگاه دلالت آیه بر حرمت تغییر خلقت

این اندیشه بر آن است که آیه در صدد بیان نوعی محدودیت تصرف انسان در عالم تکوین می‌باشد و شاهد این اندیشه را بیان مصادیقی که از گذشتگان رسیده است، می‌دانند. این مصادیق، گذشته از آنکه تطبیقی صحیح باشد یا ناصحیح، گویای آن است که فهم عرفی صحیح از این آیه از دیرباز به سمت تکوین بوده است؛ مصادیقی مانند «خصاء»^۱

۱. اخته کردن (فرهنگ معین).

«تبکیت»،^۱ «فلج الأسنان»،^۲ «وشم»،^۳ «فقء العين»^۴ و «حلق اللحیه»^۵ هر چند از ظاهر برخی عبارات چنین برمی آید: «آنان که برخی از این مصادیق را برشمرده اند، در صدد حصر بوده اند؛ ولی با تعمق - چنان که برخی تصریح کرده اند - غرض آنها تمثیل و بیان مصداق بوده است، نه حصر» (اندلسی، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ص ۷۲).

صاحبان این اندیشه، در بیان نوع محدودیت، متفاوت می اندیشند. بعضی بر آنند که تغییر خلقت به گونه «نقص» - و نه هر تغییر - حرام است؛ زیرا نقص در بدن، از مصادیق آشکار تغییر خلق الله است و تغییر خلق الله در سیاق گمراهی های شیطان که سبب استحقاق جهنم می باشد، ذکر شده و این امر شاهد صدقی بر حرمت است (بحرانی، ۱۴۲۳ق: ۲۴ و ۵۸).

در مقابل، برخی دیگر گستره حرمت تغییر خلقت را تا آن اندازه می دانند که از آن قانون عام استنباط می کنند و آن، هر گونه تغییری را در برمی گیرد. از این رو، بر اصالت حرمت تغییر - مگر موارد ترخیص؛ مانند ختان و تقلیم اظفار - باور دارند (طبسی، بی تا: ۳۱). این اندیشه مورد اعتراض شدید معاصران قرار گرفته، تا آنجا که اصل اندیشه حرمت تغییر خلقت، با نقد این برداشتِ واسع، کنار زده شده است. در ادامه به وجوه نقد این برداشت خواهیم پرداخت.

۱. معنای آن گذشت.

۲. آنان که گوش های دندان را بشکنند تا گشاده دندان شوند که عرب پیوستگی دندان را به فال ندارد (عاملی، ۱۳۶۰: ج ۳، ص ۱۰۹).

۳. خالکوبی کردن. خال و خط کوبیدن در دست و تن. نگار کردن بر پشت دست (دهخدا).

۴. عرب رسم داشت اگر عدد شترانش به هزار می رسید، یک چشم شتر نر را کور می کرد (عاملی، ۱۳۶۰: ج ۳، ص ۱۱۰).

۵. تراشیدن ریش.

۱.۲.۲. اندیشه دلالت آیه بر حرمت تغییر در دین الله

این اندیشه بر آن است که مقصود از خلق الله در آیه مذکور، «دین خداوند» است. از این منظر، شیطان بر آن است که عقاید حقه و قوانین شرعی را که با فطرت مطابق باشد، تغییر دهد و از آنها برخلاف آنچه خداوند دستور داده است، استفاده کند؛ مثلاً بهره و استفاده از ماه، خورشید و سنگ‌ها را تغییر دادن و سود آنها را در پرستش آنها دانستن، یکی از مصادیق تغییر عقاید حقه است (اندلسی، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ص ۷۱). همچنین روادانستن لواط، مساحقه و خصاء عید که از مصادیق تغییر شریعت است (مجلسی، ۱۴۰۶ق: ج ۵، ص ۲۱۴). برخی دیگر نیز دین را به شریعت مقید کرده، آن را به احکام شرعی تفسیر کرده‌اند (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۵، ص ۱۵۶).

این گروه به دلایلی چند، به شرح ذیل تمسک جسته‌اند:

در روایتی از امام صادق (ع) در مورد آیه مذکور، چنین آمده است: «عن جابر، عن أبي جعفر فی قول الله: وَ لَأْمُرَنَّهُمْ فَلْيَغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ، قال: دین الله» (بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ص ۱۷۴).

در روایت دیگری از آن حضرت در این باره چنین آمده است: «عن جابر، عن أبي جعفر فی قول الله: وَ لَأْمُرَنَّهُمْ فَلْيَغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ، قال: أَمْرُ اللَّهِ بِمَا أَمَرَ بِهِ» (همان؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۲۷۷).

در آیه «فُطِرَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» (روم: ۳۰)، براساس برخی نقل قول‌های اهل سنت، خلق الله به دین الله معنا شده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۵، ص ۱۵۵). بدین سان که واژه «خلق الله» از یک سو بر فطرت (توحید) اطلاق شده (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ص ۷۳۳) و از سوی دیگر، «خلق الله» به دین تفسیر شده است: «ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» (مبلغی، ۱۳۸۵: ۷۲). بر اساس این واژه‌یابی، خلق الله در این آیه از سوره نساء نیز به معنای دین الله می‌باشد و لا تبدیل خبر است که در مقام نهی می‌باشد (اندلسی، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ص ۷۱)؛ یعنی دین خدا را تبدیل نکنید؛ بدین معنا که حرام خداوند را حلال و حلال او

را حرام اعلام نکنید.

بعضی دیگر نیز از نهاد مناسبت حکم و موضوع بهره برده و آیه را دالّ بر تغییر عقاید حقه و احکام فطری دانسته و این مهم را به تقریب تالی فاسد حرمت جمیع صنایع در صورت تفسیر آیه به تغییر خلقت، مبرهن کرده‌اند (منتظری، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۵۱۸).

۱.۲.۳. دلالت ضمنی آیه بر تکوین از تغییر درون انسان

صاحبان این اندیشه بر این عقیده‌اند که عبارت «فَلْيَغْيِرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ» نتیجه عمل گذشته را نشان می‌دهد؛ بدان معنا که کسی که به دنیا طلبی و دنیا دوستی مشغول بوده، از گوش شنوا و عقل بینا محروم باشد و راه بد و ضلالت را از هدایت و راه مستقیم تشخیص ندهد، دلش هم کور و به یک‌باره قوت تمیز خیر و صلاح از او سلب می‌گردد و خلقت صالح اصلی او عوض می‌شود و بر اساس مفاد «نَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» (حشر: ۱۹)، آنها خدا را فراموش کرده‌اند و خدا نیز چنان آنها را از خودشان بی‌خبر کرد که خود را فراموش کردند و نیز به مفاد «لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (حج: ۴۶) دیده بصیرت را کور کرده‌اند. اینان در اثر پیروی شیطان و استعمال قوا در امور باطل، حقیقت انسانیت خود را تباه کرده‌اند (کاشانی، ۱۳۴۴: ج ۳، ص ۱۱۵؛ رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۱، ص ۲۲۴؛ کاشفی، ۱۳۱۷: ج ۱، ص ۲۱۶). بر اساس این برداشت، قسمت مورد سخن از آیه، به صورت مستقیم درصدد بیان حکم شرعی نیست و نمی‌توان از آن حکمی را استنباط کرد. آیه درصدد بیان نتیجه طبیعی پیروی از شیطان است؛ هرچند به طور ضمنی بر حرمت کارهایی دلالت دارد که به این تکوین ناپسند، منجر می‌شوند.

۱.۲.۴. دلالت آیه بر حرمت تغییر ناهمسو با هدف خلقت پدیده‌ها

بر اساس این اندیشه، خلق به معنای «ایجاد بر کیفیت مخصوص» است. زندگی انسان وقتی رو به سعادت دارد که بر وفق این حرکت طبیعی شکل گیرد و با آن در تضاد نباشد؛

به عنوان مثال، کندن یا شکافتن گوش یک حیوان به ویژه وقتی به عنوان یک خرافه صورت می گیرد، تضاد با عرصه آفرینش و جعل است که آن را از حرکت طبیعی خارج می سازد. بر این اساس، می توان معیاری ارائه کرد و میان آن دسته از تغییرها که در گستره بهره‌وری و تسخیر صورت می گیرد و آن دسته که در گستره هدف از خلق آن و انحراف از آن، صورت می گیرد؛ تفاوت قائل شد. آیه مورد سخن از تغییر در دسته دوم نهی می کند، نه تغییر در دسته اول که لازم و ضروری تسخیر و بهره‌وری است.

۱.۳. نقد و بررسی اندیشه‌ها

۱.۳.۱. نقد و بررسی اندیشه دلالت آیه بر حرمت تغییر خلقت

با توجه به مطالب پیش گفته، صاحبان اندیشه اول، در گستره حرمت تغییر، متفاوت می اندیشند؛ برخی بر آنند که گستره حرمت تغییر خلقت، تا بدان جاست که از آن می توان قانونی عام استنباط کرد و بر اساس آن، هرگونه تغییری را حرام اعلام کرد. این گروه - مگر در موارد ترخیص؛ مانند ختان و تقلیم اظفار - به اصالت حرمت تغییر قائل اند (طبسی، [بی تا]، ص ۳۱). این اندیشه مورد اعتراض شدید معاصران قرار گرفته است. برخی لازمه این اندیشه را تخصیص اکثر مستهجن دانسته اند (تبریزی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۱۴۵؛ خرازی، ۱۴۲۰ق: ۲۴). بیان ملازمه عبارت از آن است که بیشتر فعالیت عموم انسان‌ها و تصرفات آنها در خوراک، پوشش، مسکن و رفت و آمد خلاصه می شود و در بیشتر این موارد، بهره‌وری از مخلوقات بدون تغییر آنها دشوار می باشد. این توجیه که موارد مذکور را جزء مخصصات و مرخصات آن قانون بدانیم، مصداق روشنی از تخصیص اکثر قبیح را به تصویر کشیده ایم که این امر، البته شأن قانون گذار حکیم نیست.

پاسخ دیگر از اصل تخصیص آن است که آیه در حکایت از پدیده شومی است که از پرورده‌های شیطان می باشد. از این رو، لسان آیه از تخصیص اِبا دارد (سبحانی، ۱۴۲۴ق:

۴۴۷؛ وانگهی این گونه برداشت‌ها با ضرورت‌های فقه مخالف است؛ ضرورت‌هایی که حتی طرح احتمال در برابر آن، هرگز با فقه امامیه و روح حاکم بر آن سازگار نیست؛ ولی گونه دیگری از اندیشه اول بر آن است که تغییر، به شکل ناقص کردن عضوی از خلق، حرام است.

در بیان نقد این برداشت باید گفت این تخصیص در تغییر - به عنوان مدلول آیه، هرچند فی نفسه صحیح باشد - دلیل می‌خواهد و این امر، در حالی است که آیه عام است و با توجه به مطالب پیش گفته، لسانی آبی از تخصیص دارد. بعید نیست که قائل، «تبکیت» در آیه را قرینه بر نوع خاصی از تغییر گرفته باشد؛ چنان که ابوحیان «تبکیت» را مصداقی از تغییر خلق الله می‌داند؛ بنابراین در آیه، ذکر خاص قبل از عام صورت گرفته است (اندلسی، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ص ۷۳)؛ ولی بیان مصداق، سبب حصر در نوع خاصی از تغییر نمی‌شود.

احتمال دیگری که در شکل‌گیری این اندیشه وجود دارد آنکه اندیشمند مورد سخن، از راه قدر متیقن بدین نظر رسیده باشد. توضیح اینکه اگر امر دایر شود میان عنوان عام حرمت هر تغییری و میان آنکه آیه را از بیان تغییر در خلقت به دور بدانند - از آنجا که از طرفی حرمت هر نوع تغییر در خلقت، مخالف ضرورت فقه است و از طرفی دیگر در آیه از واژگان مربوط به خلقت استفاده شده است - به قدر متیقنی أخذ کرده که با مصداق تبکیت نیز موافق است و با سیاق آیه سازگارتر است. در پاسخ به این بیان نیز باید گفت سخن در اصل دوران امر آیه میان دو محذور بیان شده است. اگر راهی برای حل آن محذور یافت شود، به اخذ به قدر متیقن نیازی نیست که در ادامه روشن خواهد شد. همچنین این اندیشه، به معنای «دین الله» یا «أمر الله بما أمر به» که در روایات آمده، پاسخی نداده است و از جنبه نقد اندیشه رقیب، ضعف دارد.

۱.۳.۲. نقد و بررسی اندیشه دلالت آیه بر حرمت تغییر در دین الله

اندیشه «دலالت آیه بر حرمت تغییر در دین الله» بر آن است که مقصود از «خلق الله» در آیه مورد سخن، «دین خداوند» در مقام باورها و هنجارهاست و این ادعا را با تمسک به روایاتی روشن می‌سازد. برخی در قسمت اول این ادعا - یعنی تغییر عقاید حقه - نقدی این گونه دارند: «ظاهر از واژه تغییر، تغییر خارجی است، نه تغییر علمی و فکری؛ ازاین‌رو، اشاره به تکوین دارد» (سبحانی، ۱۴۲۴ق: ۴۴۸). افزون بر این، همان‌گونه که از ابوجیان نقل شد، آیه فرآیند یک پروژه شیطانی را قدم‌به‌قدم به تصویر کشیده، تغییر عقاید حقه و کفرآمیز کردن اعتقادات در مرحله اضلال است. علاوه بر این، سیاق آیه چنان است که «تبکیت آذان» یکی از مصادیق تغییر در خلقت می‌باشد و این قرینه، بهترین مفسر بر دلالت آیه بر تکوین است (همان). برخی فقیهان نیز ظاهر از الفاظ آیه را با تغییر خلقت مساعد می‌دانند (بحرانی، ۱۴۰۵ق: ج ۵، ص ۵۶۲).

اما در پاسخ به استدلال به روایات، این نکته مبهم وجود دارد که تعبیر به دین الله در مورد خلق الله، تفسیر است یا تطبیق؟ روشن است که استدلال مذکور بر این پیش‌فرض مبتنی است که تفسیر خلق الله به دین الله، واقعاً تفسیر باشد، نه تطبیق؛ پیش‌فرضی که دلیل بر آن وجود ندارد، ضمن اینکه کاربرست خلق الله به جای دین الله، توجیه عرفی و لغوی ندارد. ازاین‌رو، گریزی جز آن نیست که دین الله در روایات را درصدد بیان مصداق و تطبیق بدانیم و اگر چنین شد، دیگر نمی‌توان از خلق الله، دین الله را - به طور حصر - فهمید.

در روایات به غیر از واژه دین الله، «أمر الله بما أمر به» آمده است (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۲۷۷). به قرینه این واژه، می‌توان دین الله را نیز به شریعت بالمعنی الأخص معنا کرد (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۵، ص ۱۵۶) و دلالت آیه را از تغییر عقاید، خارج دانست و از اشکال عدم استفاده تغییر در امور علمی و فکری نیز رهید؛ زیرا قائل این اشکال، از تغییر در امور

علمی و فکری، حوزه اصول دین را اراده کرده است (ر.ک: سبحانی، ۱۴۲۴ق: ۴۴۸).

با استدلال به آیه ۳۰ سوره مبارکه روم، این گونه پاسخ داده شده است: «اطلاق خلق الله بر دین الله در سوره روم از باب اطلاق سبب بر مسبب است؛ زیرا خلق خداوند به دین و تمسک بدان فرا می خواند. واژه «فطرت» نیز چنین است؛ زیرا این واژه از «فطر یفطر» به معنای «خلق یخلق» است؛ پس زمانی که گفته می شود «دین اسلام دین فطرت است»؛ یعنی دینی که فطرت بدان رهنمون و بدان همخوان است؛ پس این دین، مقتضای فطرت است و اطلاق مقتضی بر مقتضا فراوان است. مسئله در واژه خلق الله همچنین است؛ پس خلق الله و دین الله دو واژه بی ارتباط نیستند، بلکه بین آن دو، رابطه وجود دارد؛ پس، از تغییر خلق الله، تغییر دین الله به واسطه تغییر در طبیعت بدنی و روحی اراده شده است؛ زیرا این طبیعت بدنی است که به طبیعت روحی رهنمون است و طبیعت روحی است که به التزام به دین الله فرامی خواند ... پس تغییر نفس خلقت، تغییر دین است» (بحرانی، ۱۴۲۳ق: ۱۲۷-۱۲۸).

برخی در این پیوند، چنین گفته اند: این استدلال ناصحیح است و موارد نقض فراوان دارد؛ زیرا به صرف وحدت تعبیر در دو آیه نمی توان خلق الله را به یک معنا دانست؛ به عنوان نمونه، واژه «حرج» در آیه «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» با حرج در آیه «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ» (احزاب: ۳۷) تفاوت معنایی دارد و در مورد واژه فتنه و زینت نیز چنین است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵: ۷۲).

۱.۳.۳. نقد و بررسی اندیشه دلالت ضمنی آیه بر نکوهش از تغییر درون انسان

در این اندیشه، «فاء» در «فَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ»، نتیجه طبیعی انجام اوامر شیطانی «لَأُضِلَّنَّهُمْ»، «لَأَمُرَّنَّهُمْ» و «لَأَمُرَّنَّهُمْ» دانسته شده است که به دست آدمی رقم می خورد. مشکل اساسی این اندیشه، آن است که نه تنها آیه ظهوری مطابق با این اندیشه ندارد، بلکه مخالف ظهور آیه است و آن اینکه «فاء» نتیجه «لَأَمُرَّنَّهُمْ» است و ظهور در امر به تغییر مخلوقات به طور مطلق

دارد. از این رو، اگر بتوان تغییر قلب و فطرت را از مصادیق آیه برشمرد، هرگز نمی‌توان آن را معنای مطابقی آیه برشمرد.

۱.۳.۴. نقد و بررسی دلالت آیه بر حرمت تغییر ناهمسو با هدف خلقت پدیده‌ها

بر اساس اندیشه چهارم، می‌توان معیاری ارائه کرد و میان آن دسته از تغییرها که در گستره بهره‌وری و تسخیر صورت می‌گیرد و آن دسته که در گستره خلقت و هدف از خلق آن صورت می‌گیرد (و انحراف از هدف)، تفاوت قائل شد. آیه مورد بحث، از تغییر در دسته دوم نهی می‌کند، نه دسته اول که لازمه ضروری تسخیر و بهره‌بری است. ورود به گستره جعل تکوینی الهی و ستیز با مجعول او، تغییر خلقتی است که نوعی حرکت خرافی و ارتجاعی بر ماهیات حاکم می‌کند؛ حرکتی که با چینش اولیه مخلوقات به دست خداوند در تعارض می‌باشد. این نوع از تغییر، مخلوقات را از مسیر حرکت به سوی هدفشان باز می‌دارد و به گونه‌ای با اراده الهی به ستیز بر می‌خیزد.

دگرگونی‌هایی که در گستره تسخیر رخ می‌دهد، همه بهره‌بری از منافع موجود در خلق خداوند است. حق متعال در شریعت خود، این منافع را نیز جهت‌دهی کرده؛ مثلاً با قوانین باب نکاح، بهره‌وری مرد و زن را نظم بخشیده است.

بر این اساس، انسانی که در حوزه تسخیر، از خلق الهی بهره‌برداری می‌کند، سخن او این است: حمد خدایی را که چنین منفعتی را جعل کرده و بهره‌بری از آن را در ذهن بشر انداخته است؛ ولی رفتار پیروان شیطان در تغییر خلق الله غیر از این است و گاه تا به حد اعتراض پیش می‌روند و می‌گویند: برای چه خداوند این گونه جعل کرده است؟! نباید چنین باشد و به همین دلیل، به دنبال جعلی در قبال جعل خداوند می‌افتند.

شریعت بالمعنی الأخص، از یک سو، تشریع الهی است؛ ولی از سوی دیگر، خود یکی از مخلوقات تکوینی الهی است که برای همسوسازی افعال انسان‌ها با تکوین، به منظور رسیدن

به سعادت آمده است. هر گونه دستبرد برای تحریف این قانون‌نامه، تغییر در یکی از مخلوقات الهی است؛ به ویژه آنکه با برهم خوردن آن، روابط تکوینی نیز از مسیر خود خارج می‌شوند و حرکت ارتجاعی حاکم می‌شود. به عبارت دیگر، شریعت بالمعنی‌الخاص نیز یکی از مجعولات تکوینی خداوند است و بر اساس اعتقاد مسلمانان به توحید در تقنین، این حوزه جعل، ویژه حق متعال بوده، بشر به هیچ عنوان اجازه تغییر دین و جعل قانون خداوند ندارد. استفاده از ماده «تغییر» در کنار «دین‌الله» در روایات نیز مؤید همین نگاه است (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۲۷، ص ۱۳۳)؛ زیرا همان گونه که گفته شد، واژه تغییر در امور عینی و خارجی کاربست دارد. حصر معنای آیه در این مصداق (شریعت)، ناصحیح است. آیه به صورت عام، هر گونه جعل از سوی بشر را در مقابل و در ستیز جعل الهی، پروژۀ شیطانی معرفی می‌کند. بر اساس آنچه در پیوند شریعت و تغییر خلق‌الله گفته شد، نقد سخن ذیل روشن می‌شود: اگر آیه را به تغییر در ظاهر خلقت تفسیر کنیم، نمی‌توان تغییر دین را ذیل آن گنجانید و یا مثال‌هایی از قبیل عمل لواط که بسیاری ذیل آیه ارائه کرده‌اند، عنوان تغییر خلقت بر آنها انطباق ندارد (مبلغی، ۱۳۸۵: ۷۲).

نظر مختار، علاوه بر قراین پیش گفته، می‌تواند موارد ذیل باشد:

الف) به ضرورت شریعت و فقه، هر گونه تغییری حرام نیست.

ب) آیه با قالب خاصی که در بیان خود دارد، از پدیده شوم آبی از تخصیص سخن به میان می‌آورد.

ج) هر گونه به کارگیری مصداق خاص در معنای خلق‌الله و ادعای حصر معنا در آن مصداق، ناصحیح است.

د) مقصود از تغییر خلق‌الله، ستیز با جعل تکوینی الهی است.

ه) همان گونه که برخی ادیبان اشاره کردند، «تبکیت» مصداقی از تغییر خلق‌الله است؛

بنابراین ذکر خاص پیش از ذکر عام در آیه صورت گرفته است.

از امتیازهای این برداشت می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

(الف) مطابق ظهور آیه است.

(ب) با ضرورت‌های فقه در تعارض نیست.

(ج) از مشکل به کارگیری مصداق در معنا، رهاست.

(د) با مصادیقی که در زمان صدور آیه و پس از آن در ذهن مفسران بوده است، همسو می‌باشد.

(ه) نوعی جمع سالم میان اندیشه‌ها در مورد این آیه است.

بر این اساس، یکی از محرمات، عنوان تغییر خلقت به معنای ورود در گستره جعل بوده، رقم‌زدن جعلی بر خلاف است و تغییرهایی که به منظور بهره‌بری از ارزاق خداوندی در خارج از گستره جعل صورت می‌گیرد، حلال و در برخی موارد، ضروری است.

۱.۴. معیارهای تشخیص تغییر حلال از حرام

تطبیق اندیشه مختار بر واقع، اگر با معیارها و شاخصه‌هایی همراه شود، در مقام تطبیق مانع از ظهور خلط گستره تسخیر و تغییر می‌شود و از بروز تردیدهای ناصواب جلوگیری می‌کند. در ادامه به برخی معیارها اشاره می‌شود.

۱.۴.۱. مقابله با جعل بسیط الهی و تلاش بر انعدام

«جعل بسیط» آفرینش خود شیء را گویند و برآیند آن به وجود آمدن خود شیء است (تهانوی، ۱۹۹۶: ج ۱، ص ۵۶۷). در حقیقت با جهانی روبه‌رو هستیم که مجموعه‌ای از هست‌ها و مجعولات بسیط خداوندی در مرآ و مسمع ماست؛ مانند جعل نور و میلیاردها جعل دیگر. نقش آفرینی در این عالم نباید به گونه‌ای باشد که با مجعولات بسیط الهی در

ستیز افیم و با گفتار یا بدون گفتار، و به طور نامشروع خواهان نبود آنها باشیم. بر این اساس نیز می‌توان گفت آنان که در اهلاک محیط زیست و انقراض گونه‌های حیوانی به طور ناموجه اقدام می‌کنند، به نوعی تغییر خلقت حرام زده‌اند. ممکن است اینکه برخی فقیهان صید لهُوی را حرام و فاعل آن را باغی می‌دانستند از همین باب باشد. این فقیهان صید لهُوی را به صیدی تفسیر می‌کنند که صرف صید، هدف باشد و از حیوان صیدشده استفاده نشود (طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۵۷۶). بنابراین معیار در از بین بردن گونه‌های جانوری یا گیاهی این است که آیا اگر رفع نیاز بشر یا نجات بشر بر این امر متوقف است یا مصداق صید لهُوی و ناموجه محسوب می‌شود.

۱.۴.۲. تعارض با «جعل الشيء لا لما جعل له»

مفاد «جعل مرکب»، جعل الشيء شیئاً است؛ بنابراین جعل مرکب مخصوص حالات وجودی و آثار کونی است که پس از حصول کون اشیاست، نه خود وجود. جعل مرکب را «جعل اختراعی» نیز می‌گویند. به عبارت دیگر، جعل مرکب ایجاد شیء شیء است (سجادی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۶۴۲). هنگامی که به گزارش از مخلوقات پردازیم، انواع جعل‌های مرکب الهی، خود را به ما نشان می‌دهند و خداوند نیز در جای جای کتاب خود از انواع مجعولات مرکب خود یاد کرده است.

۱.۵. روش‌های تغییر در مجعولات مرکب

انسان‌ها در پیوند با تغییر در مجعولات مرکب به دو روش عمل می‌کنند. این دو روش را «تغییر طولی» و «تغییر عرضی» نام می‌نهم.

۱.۵.۱. تغییر طولی

مقصود از «تغییر طولی» آن دسته از تغییرات است که انسان‌ها در طول خلقت در تکوین ایجاد می‌کنند؛ یعنی بر آیند طی شده در تکوین را به کار می‌گیرند و در ادامه برای بهره‌وری

خود به تغییر آن دست می‌زنند؛ مثلاً پنبه را می‌ریسند تا از آن پوشاک بسازند و برنج را می‌پزند تا از آن غذا بسازند و... در این دسته از تغییرات، انسان خود حلقه‌ای از تکوین برای تکمیل برآیند و آماده‌سازی ماهیات به منظور بهره‌وری می‌باشد و هیچ‌گاه در تضاد با فرآیند طی شده پیش از تغییر طولی نیست.

سیره انبیا در بهره‌برداری از مخلوقات الهی، قدم گرفتن در حوزه تسخیر و انجام تغییرات طولی بوده است. بر این اساس، رشد صنعتی و هنری را به ارمغان آورده‌اند. در حکومت حضرت سلیمان (ع) معماری‌های بلند، نقاشی تمثال پیامبران و صالحان، فلزکاری و ظرف‌سازی (ر.ک: سبأ: ۱۳)، شیشه‌سازی و بنانه‌ادن قصر شیشه‌ای (ر.ک: نمل: ۴۴)، محقق شد و در عین حال، به شکرگزاری نعمت خداوند منان مأمور شدند (ر.ک: سبأ: ۱۳) که نعمت مواد خام و معدنی را آفرید و نعمت استخراج آنها را در اذهان بشر خلق کرد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۵۲). حضرت داود (ع) که پدر حضرت سلیمان (ع) بود نیز صنعت زره‌بافی را ارائه کرد (ر.ک: سبأ: ۱۰-۱۱؛ انبیاء: ۸۰) و حضرت نوح (ع) نیز صنعت کشتی‌سازی و تعلیم آن را به عهده گرفت (هود: ۳۷؛ مؤمنون: ۲۷).

این دسته از تغییرات در گستره تسخیر بوده، از نطاق «فلیغیرن خلق الله» خارج است و ما آن را «تغییر مجعول الهی» می‌نامیم و چه‌بسا «تکمیل فرایند بهره‌وری از مخلوق» است.

۱.۵.۲. تغییر عرضی

مقصود از «تغییر عرضی»، آن دسته از تغییرات است که انسان‌ها در عرض خلقت در تکوین ایجاد می‌کنند؛ بدین صورت که مخلوقات را از مسیر خود خارج می‌سازند و می‌خواهند مسیر دیگری برایشان تعریف کنند.

در این دسته از تغییرات، بهره‌بری از مخلوق موجود، معنا ندارد، بلکه او باید مخلوق دیگر شود و در آن مسیر از آن بهره‌بری صورت گیرد. به عبارت دیگر، تغییرات تکمیلی و

در ادامه فرآیند حرکت طبیعی (تغییر طولی) در گستره تسخیر و حلال است؛ ولی تغییرات تنقیصی به قصد ایجاد حرکت قسری^۱ و تغییر مسیر خلقت اصلی (تغییر عرضی) تغییر خلقت و حرام است.

گفتنی است صدق تغییر خلق الله - به معنایی که گذشت - به خودی خود بر مصداقی، موجب حرمت آن می شود؛ هر چند عناوینی مانند ضرر، اضرار و... قرین آن نشود.

۱.۶. آثار نظریه مختار

نظریه مختار، با دیگر فروع ارتباط و بر برخی استدلال ها اثر می گذارد، برخی از این پیوندها و اثرها را در این قسمت بررسی می کنیم.

۱.۶.۱. نظر مختار و مسئله اِهلاک حرث و نسل

آیاتی از قرآن کریم، افساد و ظلم در زمین را به طور مطلق - در جنگ و غیرجنگ - منع می کنند. مطابق نصّ صریح در آیه ۲۰۵ سوره بقره، سعی بر فساد در زمین و به نابودی کشاندن زارعت ها و چهارپایان، مورد نهی شدید قرار گرفته است: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» و چون روی گرداند [و از نزد تو بیرون رود، یا چون سرپرست کاری شود] در زمین به راه افتد تا در آن فساد کند و کشت و نسل را نابود نماید و خداوند فساد را دوست ندارد».

در روایات نیز حرمت اِهلاک نسل آمده است. برای نمونه، در روایتی از پیامبر خاتم ص نقل شده است که حضرت از ریختن سم در سرزمین کافران، نهی فرمود: «نهی رسول الله ص ان یلقى السم فی بلادالمشرکین» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۵، ص ۶۲، ح ۱).

بنا بر اسناد مذکور و بسیاری از اسناد دیگر (همان)، اِهلاک حرث و نسل حرام است.

۱. حرکت قسری به معنای حرکت خلاف طبیعت و اجباری می باشد.

پرسشی که اکنون مطرح می‌شود آنکه نسبت مفاد آیه مطابق نظر مختار با حرمت اهلاک نسل چیست؟ بی‌شک اهلاک حرث و نسل، یکی از مصادیق نظر مختار است؛ ولی نکته مهم اینکه نظر مختار را یارای آن است که اهلاک را حتی در غیر حرث و نسل سرایت دهد و قرینه شود تا از آن دو الغای خصوصیت کنیم؛ به عنوان نمونه، در سلاح غیرمتعارف - اعم از هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی - اهلاک حرث و نسل است و بدین دلیل، تولید، انباشت و کاربست این گونه سلاح‌ها حرام است. حال اگر اهلاک آن، مصادیق دیگری غیر از حرث و نسل را دربرگیرد، آن نیز به ملاک تغییر خلقت - به معنایی که گذشت - حرام اعلام می‌شود و احتمال توسعه و فهم مجموعه عالم از حرث و نسل نیز خالی از قوت نیست.

۱.۶.۲. نظریه مختار و قاعده سلطنت

«قاعده سلطنت» یکی از قواعد پُرکاربست در فقه به ویژه در باب معاملات است و در جای‌جای باب معاملات از آن سخن گفته می‌شود. در گستره این قاعده، مطالب بسیاری بیان شده است. صاحبان این قلم، گستره بسیار وسیعی برای حدیث و قاعده سلطنت قائل اند و از تسلط مردم بر ملک، حق، جان و شئون دیگر سخن به میان می‌آورند و از آن به مثابه یک اصل، بهره می‌برد.

اندیشه صحیح در بیان این قاعده، بدین شرح می‌باشد: تسلط مردم بر ملک، حق، جان و شئون دیگر خویش فی‌الجمله مسلم و از راه ادعای «الغای خصوصیت» یا «اولویت» و «فهم عرف مبنی بر وسعت ظهور واژه "أموالهم" از باب مناسبت حکم و موضوع»، قابل اثبات است. در این مسئله باید گفت قاعده سلطنت نسبت به «قانون حرمت ستیز با جعل الهی» - به معنایی که گذشت - ضیق ذاتی دارد. از این رو، استفاده از قاعده سلطنت برای هر گونه استفاده از جان خود و دیگر مخلوقات الهی که در اختیار انسان است، ناصحیح می‌باشد. به عبارت دیگر، دایره سلطه انسان بر ملک، حق، جان و شئون دیگر، به حوزه بهره‌وری و

تسخیر مقید است، نه رقم زدن جعلی در قبال جعل الهی.

براساس آنچه گذشت، تعارض میان نظر مختار و قاعده سلطنت، بدوی شده و تصور صحیح از هر یک، برای خلط نظر مختار و قاعده، مجالی باقی نمی گذارد.

۱.۷. اصل مرجع

با توجه به مطالب پیش گفته، رقم زدن جعلی در گستره جعل الله به معنای تغییر خلق الله است و خارج از این گستره، تصرفات انسان بر اساس تسخیر عالم که حق متعال برای بشر پیش آورده است، نعمت بزرگی می باشد؛ ولی تطبیق این قانون مانند بسیاری از قوانین دیگر، دارای مصادیق روشن و مصادیق مشکوک است؛ برای نمونه، به موارد ذیل که احتمال بروز شک را به دنبال دارد، اشاره می شود:

- اگر انسان خود را با وازکتومی و... به طور دائم عقیم کند، آیا رقم زدن جعلی در قبال جعل خداوند است؟ اگر وازکتومی به صورت موقت و غیردائم باشد، چه طور؟

- آیا بانوان می توانند با مصرف قرص، عادت ماهانه خود را به تعویق بیندازند، یا اجازه ورود به این عرصه و مانند آن را ندارند؟

- آیا پیوند گیاهان، بدین سان که قسمتی از یک گیاه را روی گیاه دیگر، به شکلی قرار می دهند که آن دو پس از مدتی با یکدیگر جوش می خورند؛ به گونه ای که گیاه حاصل از اتحاد آنها می تواند به صورت گیاهی مستقل به رشد و نمو خود ادامه دهد، ستیز با جعل الهی است یا خیر، یا بهره وری پس از جعل است؟

- آیا حوزه بیوتکنولوژی و پزشکی تولیدمثل های همانندسازی شده و تراریخت - مولد فاکتور انعقادی ۹ و TPA - بلوغ تخمک دام های اهلی همچون بز، گوسفند و گاو در محیط آزمایشگاهی، انجام لقاح آزمایشگاهی، انجماد جنین ها و به دنبال آن، انتقال به مادران رضاعی و تولید حیوانات سالم، رقم زدن جعلی در گستره جعل الله است؟

مثال‌های پیش‌گفته، الزاماً به معنای وجود شک در آن نیست، بلکه احتمال خیزش تردید در برخی از آنها - اگرچه بر اساس برخی دیدگاه‌ها در تفسیر آیه - وجود دارد؛ هر چند بر مبنای برگزیده در تفسیر آیه این موارد، از گستره دلالتی آن خارج است.

کشف اصل مرجع، در زمان شک در تحقق منع و عدم تحقق آن، یکی از مباحث کارگشای فقهی در مقام افتا و عمل به قوانین شرعی است.

اصل مرجع در مسئله مورد نظر، دو فرض دارد:

فرض یکم: اصالت حلیت

فرض دوم: اصالت حظر

فرض یکم را به عنوان نظری صحیح می‌توان ارائه کرد. دلیل آن را در دو گفتار دنبال می‌کنیم.

۱.۲.۱. اصالة الإباحة

هرگاه در حلال یا حرام بودن چیزی شک کنیم، اصل اباحه جاری می‌گردد و به عدم حرمت حکم می‌کنیم. اصالة الإباحة بدان معناست که تا دلیل شرعی بر منع یک فعل نیامده باشد، ارتکاب آن جایز است.

مهم‌ترین دلیل اصالة الإباحة در مورد پنیر آمده است؛ زیرا مشکل در آن زمان این بود که «انفحه» یا پنیرمایه از حیوان می‌گرفتند و گاهی حیوان‌ها میته بودند؛ مخصوصاً پنیر را غیرعرب‌ها حتی کارگرهای افریقایی می‌ساختند؛ بنابراین گاهی در آن میته قرار می‌دادند و چون از امام باقر ع در مورد حکم آن می‌پرسیدند؛ امام می‌فرمود: «كُلُّ مَا كَانَ فِيهِ خَلَالٌ وَ حَرَامٌ فَهُوَ لَكَ خَلَالٌ حَتَّى تَعْرِفَ الْحَرَامَ بِعَيْنِهِ فَتَدَعَهُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۲، ص ۵۰۹)؛ این امر اصالة الإباحه است.

در مسئله مورد بررسی نیز چنین فضایی حاکم است؛ زیرا محدوده‌ای از تغییرات است که به یقین در دایره تسخیر قرار دارد و حلال است و محدوده‌ای از تغییرات، جعل در مقابل جعل خداوند می‌باشد و حرام است. در این میان، مصادیق مشکوک، به حکم اصله‌الاباحه حلال‌اند.

۱.۷.۲. رفتارشناسی شارع

برای کشف و تأسیس یک اصل، ادله آن باید به حدّ ظهور برسد یا از موارد خرد و مجموعه رفتارهای شارع مقدس، مستنبط به این اطمینان برسد که قانونگذار بیان و تأسیس اصل را اراده داشته است. با توجه به اصل اباحه، قاعده اباحه و نصوصی که در بیان تسخیر مخلوقات برای انسان وارد شده است، برداشت اصل حظر و منع امکان‌پذیر نیست.

۲. حکم‌شناسی مهندسی ژنتیک و محصولات تراریخته

۲.۱. مفهوم‌شناسی

مهندسی ژنتیک، به مجموعه روش‌هایی گفته می‌شود که به منظور جدا سازی، خالص سازی، وارد کردن یک ژن خاص در یک میزبان به کار می‌رود و نهایتاً منجر به بروز یک صفت خاص و یا تولید محصول مورد نظر در جاندار میزبان می‌شود.

تراریختگی به فرایند ایجاد تغییرات در ژنوم با استفاده از فن آوری DNA نو ترکیب اطلاق می‌شود. موجود تراریخت، به موجودی اطلاق می‌شود که ژنوم آن از طریق اضافه کردن یا حذف کردن ژن دچار تغییر شده و صفت جدیدی را کسب نموده است.

۲.۲. موضوع‌شناسی و پیشینه‌شناسی مهندسی ژنتیک

با کشف کد حیات یعنی DNA جهان جدیدی برای بشریت مکشوف شد. مولکول پیچیده‌ای که راهنمای عملکرد رشد و توسعه و باز تولید هر چیز زنده است. اطلاعات، در ساختار این مولکول رمز انگاری می‌شود، و هر چهار عدد که در کنار هم جمع می‌شوند،

دستور العملی را در بر می گیرند، اگر این دستور العمل تغییر داده شود، موجودی که آن را حمل می کند، نیز تغییر خواهد کرد. این امر تا دهه ۸۰ میلادی از طریق روش های اصلاح کلاسیک دنبال می شد که این روش به دلیل اینکه مبتنی بر آزمون و خطا بوده و نتایج ناخواسته داشت بسیار زمان بر و با محدودیت های فراوان همراه بود. در دهه ۱۹۶۰ دانشمندان، گیاهان را براساس تشعشعات رادیواکتیو بمباران کردند؛ تا جهش های تصادفی در کدهای ژنتیکی آن ها ایجاد کنند، آنان بر این ایده بودند که به طور کاملاً تصادفی می توان به گونه ای مفید دست یافت و در برخی موارد نیز موفق بوده اند که تولید سویا از آن جمله است.

پس از کشف دی.ان.ای دانشمندان به منظور تغییر هدفمند آن تلاش کردند. در دهه ۱۹۷۰ دانشمندان دی.ان.ای اصلاح شده کوچکی را در درون باکتری، گیاهان و حیوانات قرار دادند؛ تا آن ها را مطالعه کنند. روش جدید مهندسی ژنتیک امکان انتقال ژن ها بین دو گونه را فراهم کرد. این روش هدفمند بوده و مانند دو روش قبل مبتنی بر تصادف و همراه با تغییرات ناخواسته نبود. همچنین به دلیل حذف آزمون و خطا زمان اصلاح ژنتیک را به طور قابل توجهی کاهش داد. آنان در دهه ۱۹۸۰ با وارد کردن ژنی در گوجه فرنگی توانستند از آنزیم فساد پذیری آن تا حدود جلوگیری کرده و میوه مقاومی را عرضه کنند. امروزه خوک های عضلانی، ماهی های سالمون با رشد سریع تر و بیشتر، مرغ های بدون پر، خرگوش نورانی و قورباغه های شفاف به طور غیرتجاری ساخته شده اند. همچنین محصولات زراعی متعدد مانند سویا، ذرت، کلزا و پنبه در سطح تجاری تولید و عرضه شد به طوری که هم اکنون تمامی سویای موجود در بازار مبادلات جهانی تراریخته است. با این همه اصلاح ژنتیک، کماکان کاری نسبتاً پیچیده، پرهزینه و زمان بر بود. در سال ۲۰۱۵ همه چیز با به صحنه آمدن یک روش نوین یعنی کریسپر (crispr) تغییر کرد؛ هزینه مهندسی

ژنتیک تا ۹۹ درصد کاهش یافت و به جای سال‌ها زمان برای به نتیجه رسیدن آزمایش، فقط چند هفته زمان لازم بود، عملاً هر کسی با داشتن یک آزمایشگاه می‌تواند آن را انجام دهد. در واقع آنان به توانایی ویرایش سلول‌های زنده رسیدند. این ویرایش را می‌توان در هر سلولی انجام داد، گیاهان، حیوانات و حتی انسان‌ها و... این انقلاب، ابزاری دسته اول محسوب می‌شود که جای کار بسیار دارد، براساس آن می‌توان دی‌ان‌ای تبخال را برای همیشه حذف کرد و یا با اصلاح سیستم ایمنی بدن می‌توان، سلول‌های سرطانی را رصد کرده و بدان مجال توسعه ندهیم. با وجود این، به دلیل جدید بودن و برخی محدودیت‌های این روش هنوز استفاده از روش قبل رواج دارد.

۲.۳. مصداق‌شناسی برآورده‌های مهندسی ژنتیک

برای شناخت بهتر محصولات مهندسی ژنتیک، به برخی از این مصادیق اشاره‌ای مختصر می‌کنیم:

الف) دانشمندان موفق شدند با انتقال ژن جلوگیری از تولید آفلاتوکسین که در اثر کپک در محصولات غذایی تولید کنند که ماده سرطان‌زا در آن‌ها راه نداشته باشد. آفلاتوکسین ماده‌ای است سمی که در اثر فعالیت قارچ‌ها در محصولات زراعی و غذایی ایجاد و موجب بیماری‌های متعدد مانند سرطان و بیماری‌های ریوی می‌شود. این سم طبیعی حتی در محصولات ارگانیک بیشتر دیده می‌شود و سالانه موجب مرگ هزاران نفر و از بین رفتن میلیون‌ها تن محصول می‌شود. بسیاری از جمعیت ۴.۵ میلیارد نفری در کشورهای در حال توسعه چاره‌ای جز استفاده از محصولاتی که به آفلاتوکسین آلوده هستند ندارند. محصولاتی مانند کنجد، ذرت و بادام زمینی دارای مقدار زیادی سم آفلاتوکسین هستند.

دانشمندان بیوتکنولوژی از طریق مهندسی ژنتیک توانسته‌اند ژن ذرت را به گونه‌ای اصلاح کنند که می‌تواند تولید این سم را در قارچ آسپرژیلوس متوقف کند. به صورت

آزمایشی ذرت مهندسی شده را همزمان با ذرت معمولی رشد دادند و هر دو را به اسپورهای قارچ آلوده کردند. نتیجه امیدوار کننده بود؛ اسپورها روی هر دو گیاه رشد کردند اما در گیاه معمولی مقدار بالای آفلاتوکسین مشاهده شد در حالی که در گیاه مهندسی شده یا تراریخته هیچ اثری از سم سرطان‌زای آفلاتوکسین یافت نشد.

ب) در کشور هر چند سال رطوبت در بهار بالا می‌رود، گندم‌های ما به زنگ زرد، حساس هستند، زنگ زرد طغیان می‌کند و محصول ما را از بین می‌برد. حتی گاهی پیش آمده تا ۶۰ یا ۷۰ درصد محصول را از بین برده است. حال اگر ژن مقاوم به زنگ زرد را از گندم‌های وحشی و مقاوم بگیریم و به این گندم بدهیم، می‌توانیم آسیب‌ها را کاهش دهیم. اتفاقی که الان افتاده این است که همین اتفاق را ما در مقیاس مولکولی انجام می‌دهیم؛ یعنی دقیقاً همان یک ژن را برمی‌داریم: آن ژن مقاوم به زنگ زرد را و همان یک دانه ژن را در همان گندمی که مدنظر ماست قرار می‌دهیم و یک مشکل را که حساسیت به این قارچ است از بین می‌بریم.

ج) در سال ۱۹۷۸، اولین موجود اصلاح شده ژنتیک که در سطح تجاری تولید شد، از طریق ایجاد یک باکتری به نام «اشرشیا کلی» بود که پروتئین انسولین انسانی تولید می‌کرد. از آن زمان امکان تولید انسولین انسانی در آزمایشگاه فراهم شده است.

د) میکروب‌ها عامل نهایی دفع زباله، پوسیدن اجساد، تجزیه و خنثی کردن لاشه برگ-های روی سطح زمین، در طبیعت هستند. در حقیقت، آن‌ها به قدری در این کار خوب عمل می‌کنند که نظر دانشمندان را جلب کرده‌اند تا آن‌ها را برای پاکسازی آلودگی‌های محیط زیست به خدمت بگیرند. این مفهوم «بیورمدیشن» نامیده می‌شود، و شامل استفاده از میکروارگانیسم‌هایی است که به طور طبیعی عاشق خوردن آلودگی‌ها هستند یا با اصلاح ژنتیکی به آن‌ها این ویژگی داده شده است. دانشمندان برای پاکسازی محل‌های

آلودگی‌هایی نظیر PCB، نفت، زباله‌های رادیواکتیو، گازولین و جیوه میکروب‌هایی را طراحی یا مستقر می‌کنند و تحقیقات جدید بیورمیدیشن به طور منظم ظهور می‌یابند.

۲.۴. حکم‌شناسی مهندسی ژنتیک

پس از گفت و گو از موضوع شناسی و قاعده کلی فقهی؛ نوبت به تطبیق آن، بر مهندسی ژنتیک می‌رسد. در واقع پرسشی که در این قسمت با آن مواجه هستیم؛ عبارت است از آنکه آیا مهندسی ژنتیک، بهره‌بری در حوزه تسخیر است که حلال باشد یا تغییر خلق الله که حرام باشد؟

مسئله‌ای که با آن روبه‌رو هستیم، از بحثی صرفاً علمی خارج شده و لایه‌های اقتصادی، سیاسی و ... بدان افزوده شده است. برای نمونه مقالاتی توسط شخصی با نام سرالینی منتشر شده است که به دلیل اشکالات متعدد روشی مردود دانسته شد. سرالینی برای تولید این مقالات مورد حمایت مالی گروه‌های افراطی زیست‌محیطی مانند صلح سبز که با اصل مهندسی ژنتیک مخالف هستند یا شرکت‌های چند ملیتی مدعی صنعت ارگانیک که به طور سنتی با این فناوری مخالف هستند، قرار دارد (Entine, 2014). در مقابل، سازمان‌های متولی سلامت مانند سازمان‌های غذا و دارو که متولی جمع‌بندی ادبیات و مطالعات علمی در این باره و حوزه‌های مشابه هستند هیچ‌یک تا کنون آسیب‌هایی ناشی از محصولات تراریخته و مهندسی ژنتیک را گزارش نکرده و ادعاهای مطرح شده را نیز نپذیرفته‌اند. از این رو به منظور گرفتار نشدن به پیرایه‌های غیر علمی در این مسئله، نهایت دقت را باید به کار بست.

۲.۴.۱. دیدگاه تحقق تغییر عرضی در مهندسی ژنتیک

مای‌وان‌هو، مدیر آزمایشگاه بیوالکترومیک بخش بیولوژی دانشگاه اوپن^۱ انگستان

1. Open.

در تبیین مهندسی ژنتیک می‌نویسد:

مهندسی ژنتیک، نوعی تکنولوژی است که به صورت خاص، جهت انتقال افقی ژن‌ها بین گونه‌هایی که نمی‌خواهند با هم مزدوج گردند، طراحی شده است. این رشته جهت از بین بردن دفاع گونه‌ها و علی‌الخصوص غلبه بر مکانیزم‌های دفاعی ژن‌هایی که به صورت معمول در برابر ژن‌های خارجی واکنش نشان می‌دهند، به وجود آمده است (مای‌وان‌هو، ۱۳۸۵: ۱۳۵).

اگرچه براساس متن فوق می‌توان از میان بردن مکانیزم دفاعی ژن‌های را نوعی تغییر در جعل بسیط و رقم زدن جعلی جدید، عنوان کرد، اما برخی به استدلال فوق پاسخ داده که انتقال ژن بین گونه‌ها در طبیعت نیز رخ داده است و سد بین گونه‌ای عمومیت ندارد (ایسنا، ۲۴ اسفند ۱۳۹۴؛ زارع، ۱۳۹۵/۱۲/۲۵).

انجمن آموزشی مصرف‌کنندگان غذاهای ژنتیکی نیوزلند در مقاله‌ای می‌نویسد:

اصولاً تنها عملکرد بخش کوچکی از دی‌ان‌ای موجودات تکامل یافته برای بشر مشخص و شناخته شده است، علم ژنتیک جدید نشان داده است که ژن‌ها به تنهایی و جدایی از دیگران فاقد کارآیی‌اند اما در تباد و برخورد با دیگر ژن‌ها دقیقاً از دی‌ان‌ای یک موجود زنده جدا شود و به دی‌ان‌ای موجود زنده دیگر وارد شود، نحوه ورود و عملکرد آن کاملاً تصادفی خواهد بود که نتیجه آن، نابودی نظم ژن‌های موجود در کروموزم‌ها و تغییر عملکرد سلول‌ها خواهد بود. (انجمن آموزشی مصرف‌کنندگان غذاهای ژنتیکی نیوزلند، ۱۳۸۴: ۲۰-۲۱).

متن فوق نیز به برهم خوردن چینش بسیط، سلول اولیه تأکید دارد که منجر به رقم خوردن جعلی هر چند ناخواسته خواهد شد. باوجوداین، به این ادعا نیز پاسخ گفته شده است: «در اصلاح کلاسیک هزاران ژن ناخواسته منتقل می‌شدند و به همین دلیل نتایج

ناخواسته آن معضل اصلی بود ولی امروز با مهندسی ژنتیک می‌توانیم دقیقاً همان ژن مورد نیاز را منتقل کنیم و نتایج کار کاملاً قابل پیش‌بینی شده است» (زارع، ۱۳۹۵/۱۲/۲۵).

برخی دیدگاه‌های مبهم نیز به آینده مهندسی ژنتیک و برآیندهای آن در حوزه اصلاح ژنتیکی انسان مطرح شده و مدعی شده است در صورت اصلاح ژنتیکی انسان ماهیت انسان تغییر خواهد کرد. بیل مک‌کین نویسنده کتاب «کافی است» در این باره می‌گوید: «اگر ما به اعمال این گونه تغییرات مبادرت ورزیم، معنای زندگی آدمی به کلی محو و نابود می‌شود، برای آنکه متوجه شوید منظورم چیست، برای یک لحظه تصور کنیم خود شما در زمره آن دسته از نوزادانی بوده‌اید که به روش‌های ژنتیکی در ساختار بیولوژیک شما تغییر داده‌اند و آنها را بهبود بخشیده‌اند؛ حال از خود سؤال کنید که آیا هوش شما متعلق به خودتان است؟ حالات روحی شما واقعاً محصول تجربه‌های شخصی خود شما یا نتیجه تأثیر پروتئین‌هایی است که در سلول‌های بدن شما کار گذارده شده است؟ دستاوردهای حرفه‌ای یا تحصیلی شما، امیدها و آرزوهای‌تان، رؤیاهای‌تان به شما تعلق دارند یا به طور مصنوعی در شما القا شده‌اند؟» (مک‌کین، ۱۳۸۹: ۵۷).

۲.۴.۲. دیدگاه تحقق تغییر طولی در مهندسی ژنتیک

در مقابل دیدگاهی که در مخالفت با مهندسی ژنتیک به تغییر عرضی استدلال می‌کند، دیدگاه دیگر معتقد است مهندسی ژنتیک امر جدیدی نبوده و مانند دیگر روش‌ها از سنت‌ها و قواعد طبیعی برای افزایش کیفیت و کمیت محصول استفاده می‌کند. یکی از کارشناسان مهندسی ژنتیک می‌گوید:

«هجمه‌های زیادی در سال‌های اخیر علیه اصلاح ژنتیک صورت گرفته، در حالی که تغییری که راجع به آن در اصلاح ژنتیک صحبت می‌کنیم، جدید نیست. درواقع از ابتدای آغاز کشاورزی سنتی از سوی بشر، این اتفاق به‌طور طبیعی انجام می‌شده و انسان در دو، سه

سده گذشته اصلاح نباتات را به طور به طور مصنوعی انجام می‌داده است. سال‌هاست که گندم را اصلاح می‌کنیم. هم اکنون ما در کشور مؤسسه‌ای داریم تحت عنوان مؤسسه اصلاح و تهیه نهال و بذر. این مؤسسه بیش از ۵۰ سال عمر دارد که در این سال‌ها دهها رقم گندم را به کشور اصلاح و معرفی کرده و در حال حاضر نیز در حال انحام است. در این روش‌های سنتی و کلاسیک (به طور مثال) در یک دوره ۱۰ ساله، صدها ژن را از یک گندم یا چیز دیگری برداشتیم و در گندم دیگری گذاشتیم؛ در صورتی که هدف ما یک ژن خاصی بود؛ مثلاً در کشور هر چند سال رطوبت در بهار بالا می‌رود، گندم‌های ما به رنگ زرد حساس هستند، رنگ زرد طغیان می‌کند و محصول ما را از بین می‌برد. حتی گاهی پیش آمده تا ۶۰ یا ۷۰ درصد محصول را از بین برده است. حالا اگر ما ژن مقاوم به رنگ زرد را از گندم‌های وحشی و مقاوم بگیریم و به این گندم بدهیم، این مقاومت را به دست می‌آوریم. اتفاقی که الان افتاده این است که همین اتفاق را ما در مقیاس مولکولی انجام می‌دهیم؛ یعنی دقیقاً همان یک ژن را برمی‌داریم: آن ژن مقاوم به رنگ زرد را و همان یک دانه ژن را در همان گندمی که مورد نظر ماست قرار می‌دهیم و یک مشکل را که حساسیت به این قارچ است از بین می‌بریم. این اتفاق دقیقاً در چارچوب اصول و قوانین حاکم بر موجود زنده است. اینکه چرا ما به مهندسی ژنتیک نیاز داریم، دلایل بسیار زیادی دارد. الزاماً ما به این ظرفیت نیاز داریم.» (منصور امیدی، استاد مهندسی ژنتیک دانشگاه تهران در گفتگویی با عنوان سطحی‌نگری علیه ژنتیک).

همچنین در بیانیه هزاره سازمان خوار و بار جهانی در مورد بیوتکنولوژی در سال ۲۰۰۰ آمده است: «بیوتکنولوژی ابزار قدرتمندی را برای توسعه پایدار کشاورزی، شیلات، جنگل‌ها و مراتع و صنایع غذایی فراهم کند... بیوتکنولوژی می‌تواند کمک مؤثری به تأمین نیازهای جمعیت در حال رشد جهان در هزاره سوم میلادی باشد» (بازخوانی، ۱۳۹۵: ۱۹).

رئیس فائو دکتر داسیلوا نیز در این باره می‌نویسد: «استفاده از زیست فناوری و مهندسی ژنتیک به تولید بیشتر محصولات کشاورزی، بهره‌بری بیشتر نهاده‌ها و کشاورزی پایدار کمک شایانی می‌کند، اما هنوز بسیاری از کشاورزان از دسترسی به این فناوری محروم هستند» (همان: ۲۰).

۲.۵. بررسی و تحقیق

حاصل فیش‌هایی که در این تحقیق، پردازش شد و نتیجه ساعت‌ها، مکالمه و مطالعه در این عرصه عبارت است از اینکه مهندسی ژنتیک ابزاری قدرتمند در حوزه تغییر ژنتیک موجودات زنده است که همانند هر ابزاری می‌تواند در جهت اهداف مشروع یا نامشروع انسان مورد استفاده قرار گیرد. بی‌تردید می‌توان با ویرایش‌های ناصحیح در دی‌ان‌ای، در عرصه‌های نامشروع و مضر قدم برداشت. از طرف دیگر، در حوزه بهره‌بری و تسخیر نیز می‌توان، امتیازی بزرگ را پیش روی بشر دید. بشر به درمان بسیاری از امراض و آفات رسیده است و می‌تواند با از میان بردن آنزیم‌های مرض و آفت و ... مشکلات را برطرف کند، باکتری‌های خود را سامان بیشتری بخشد و در جدال با باکتری خورها موفق‌تر باشد. نباید تردید کرد که بیشتر محصولات و مصادیقی که هم اکنون دانشمندان ژنتیک، به آن‌ها رسیده و یا در صدد آن هستند، از مصادیق بهره‌بری الهی و تسخیر است، نه تغییر خلق الله. بنابراین و با توجه به شکل‌گیری لایه‌های غیرعلمی در مسئله، باید ضمن اتخاذ رویکرد علمی در باب برآیندهای مهندسی ژنتیک، در مهندسی ژنتیک نیز همانند صنایع دیگر باید با وضع قانون نظارت بر فرآیند و برآیند مهندسی ژنتیک، به حمایت از بهره‌بری‌های الهی و کنترل برآیندهای نامطلوب اقدام کرد. قانون ملی ایمنی زیستی مصوب ۱۳۸۸ مجلس شورای اسلامی در همین راستا به تصویب رسیده است.

نتیجه

کشف و بررسی اندیشه‌ها درباره گستره تغییر خلق الله و اقتضای رأی مختار ما را به نتیجه‌های زیر رهنمون می‌سازد:

الف) در تحلیل آیه سوره نساء، چهار اندیشه وجود دارد: «دلالیت آیه بر حرمت تغییر خلقت مطلقاً (تغییر مطلق خلقت)»، «دلالیت آیه بر حرمت تغییر دین خدا»، «دلالیت ضمنی آیه بر نکوهش از تغییر درون انسان» و «دلالیت آیه بر حرمت تغییر ناهمسو با هدف خلقت پدیده‌ها».

ب) لازمه اندیشه حرمت تغییر خلقت، تخصیص اکثر مستهجن است؛ در عین حال، این اندیشه مخالف ضرورت فقه است.

ج) هر گونه تغییر در خلقت، به ضرورت شریعت و فقه، حرام نیست.

د) اندیشه تغییر دین الله و روایات تفسیر به دین الله در صدد بیان مصداق و تطبیق‌اند، نه تفسیر و معنا.

ه) اندیشه تغییر فطرت، نه تنها با ظهور آیه مطابق نیست، بلکه مخالف است و آن اینکه فاء نتیجه «لَا مَرْئِيَّ» است و ظهور در تغییر مخلوقات دارد. از این رو، اگر بتوان تغییر قلب، فکر و فطرت را از مصادیق آیه برشمرد، هرگز نمی‌توان آن را معنای مطابقی آیه دانست.

و) آیه با قالبی خاص از پدیده شومی سخن به میان می‌آورد که آبی از تخصیص است.

ز) هر گونه به کارگیری مصداقی خاص در معنای خلق الله و ادعای حصر معنا در آن مصداق، ناصحیح است.

ح) همان گونه که برخی ادیبان اشاره کرده‌اند، «تبکیت» مصداقی از تغییر خلق الله است؛ بنابراین ذکر خاص پیش از عام، در آیه صورت گرفته است.

ط) جعل به دو گونه «بسیط» و «مرکب»، همسو با هدف خلقت و ناهمسو با آن است. معیار تشخیص تغییر حرام، تغییر جعل بسیط و جعل مرکب حرام به صورت عرضی و ناهمسو با هدف خلقت می‌باشد و تغییر در جعل مرکب طولی، در گستره تسخیر است.

ی) اِهلاک حرث و نسل، یکی از مصادیق نظر مختار است؛ ولی نکته آنکه نظر مختار را یارای آن است که اِهلاک را حتی در غیر حرث و نسل، سرایت دهد و قرینه شود تا از آن دو الغای خصوصیت کنیم.

ک) دایره سلطه انسان بر ملک، حق، جان و شئون دیگر، به حوزه بهره‌وری و تسخیر مقید است، نه رقم‌زدن جعلی در قبال جعل الهی.

ل) اصل مرجع در زمان شک در تحقق منع و عدم تحقق تغییر خلق الله، اصل حلیت و اباحه است.

م) مهندسی ژنتیک ابزاری قدرتمند در حوزه تغییر صفات موجودات زنده است که همانند هر ابزاری می‌تواند در جهت اهداف مشروع (تسخیر) یا نامشروع انسان (تغییر خلق الله) مورد استفاده قرار گیرد.

ن) وضع قوانینی همچون قانون ایمنی زیستی مصوب ۱۳۸۸ برای نظارت بر فرایند و برآیند مهندسی ژنتیک به هدف حمایت از بهره‌بری‌های الهی و کنترل برآیندهای نامطلوب به عنوان راه‌حل مسئله قبل مورد توجه قرار دارد.

منابع

* القرآن الکریم

۱. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۳. انجمن آموزشی مصرف کنندگان غذاهای ژنتیکی نیوزلند، «سیزده ادعای مهندسی ژنتیک و پاسخ آنها»، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، سیاحت غرب، شماره ۲۱، ۱۳۸۴.
۴. اندلسی، ابوحیان، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
۵. انصاری، مرتضی، رسائل فقهیه؛ قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۴ق.
۶. ایازی، محمدعلی، فقه پژوهی قرآنی، قم: بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۷. ایسنا (خبرگزاری دانشجویان ایران)، گیاهان تراریخته در طبیعت هم تولید می‌شوند!، ۲۴ اسفند ۱۳۹۴:
8. <http://www.isna.ir/news/94122414970>
۹. مکارم شیرازی، ناصر، بازخوانی یک پرونده از دریچه علم، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۹۵.
۱۰. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۱۱. بحرانی، محمدسند، فقه الطب والتضخم النقدي، بیروت: مؤسسه أم القرى للتحقیق والنشر، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۱۲. بحرانی، یوسف بن احمد، الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۱۳. تبریزی، جواد بن علی، إرشاد الطالب إلى التعليق على المكاسب، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۴۱۶ق.
۱۴. تهنوی، محمدعلی، کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، چاپ اول، ۱۹۹۶م.

۱۵. ابن اثیر جزری، محمد بن مبارک، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست، قم: اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۱۷. حسینی مراغی، عبدالفتاح بن علی، العناوین الفقهیة، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۹. خرازی، سیدمحسن، «تغییر الجنسیه»، مجله فقه اهل البیت (بالعربیة)، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، شماره ۱، ۱۴۲۰ق.
۲۰. خویی، سیدابوالقاسم، مصباح الأصول، قم: داوری، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۲۱. رازی، فخرالدین، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۲۲. زبیدی، سیدمرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح: علی شیری، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۳. زرکشی، محمدعبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۰ق.
۲۴. سبحانی تبریزی، جعفر، المواهب فی تحریر أحكام المكاسب، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۲۵. سجادی، سیدجعفر، فرهنگ معارف اسلامی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
۲۶. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۷. صرامی، سیف الله، جایگاه قرآن در استنباط، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۲۸. طبسی، محمدرضا، المنیة فی حکم الشارب و اللحیه، ترجمه محمد کاظمی قزوینی، قم: بی نا، چاپ اول، بی تا.
۲۹. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مقدمه آغابزرگ تهرانی و تحقیق احمدقصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۳۲. عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تهران: صدوق، ۱۳۶۰.
۳۳. عاملی جبعی، حسن بن زین الدین، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.
۳۴. علیدوست، ابوالقاسم و محمد ابراهیمی راد، «قاعده تسلط و گستره آن»، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۲۴، بهار ۱۳۸۹.
۳۵. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، قم: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
۳۶. فاضل لنکرانی، محمدجواد، «زوایای پنهان و پیدای شبیه سازی»، مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۷، ۱۳۸۵.
۳۷. فاضل مقداد، جمال الدین، کنز العرفان فی فقه القرآن، تحقیق: سیدمحمد قاضی، بی جا: نشر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۳۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۲۰ق.
۳۹. کاشانی، ملافتح الله، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین؛ تهران: اسلامیه، ۱۳۴۴.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دار الحدیث للطباعة و النشر، ۱۴۲۹ق.
۴۱. واعظ کاشفی، کمال الدین حسین، مواهب علیّه، تهران: اقبال، ۱۳۱۷.

۴۲. مای وان هو، «مهندسی ژنتیک و ابهام‌های موجود»، سیاحت غرب، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، سال سوم، شماره ۳۳، ۱۳۸۵.
 ۴۳. مبلغی، احمد، «زوایای پنهان و پیدای شبهه سازی»، مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۴۷، ۱۳۸۵.
 ۴۴. مجلسی، محمدباقر، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
 ۴۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن کریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
 ۴۶. مک کین، بیل، «مهندسی ژنتیک و پایان ماهیت آدمی»، سیاحت غرب، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، شماره ۳، ۱۳۸۲.
 ۴۷. منتظری نجف‌آبادی، حسین علی، دراسات فی المکاسب المحرمة، قم: تفکر، ۱۴۱۵ق.
- ب) منابع انگلیسی

48. Entine, Jon. 'Profile of Gilles-Éric Séralini, Author Of Republished Retracted GMO Corn Rat Study', Forbes, Jun 24, 2014.